

Convergence and Divergence among Active Artists of Astan Quds Razavi and Lithography of the Institution (Case Study: Scribes)



Mostafa Lal Shateri¹

Abstract

As soon as lithography industry entered Iran, many lithography printing houses were established in Tehran, Tabriz, and other cities and the first lithography printing house was founded in Mashhad by Astan Quds Razavi. From the activity period of the AQR's lithography house (1294-1344 AH), twenty eight books were identified that most of them bear the name of their scribes on the first and last pages. This study that used the descriptive-analytical method aimed to see that when the Astan Quds Razavi entered this new printing industry, how many active scribes of different parts of AQR interacted with this printing house as a burgeoning cultural sector and the reasons of the convergence and divergence among them. The results of exploring the archived documents -apart from the stylistic and aesthetic issues- show that from amongst the many scribes active in the administrative and cultural parts of Astan Quds Razavi, during the activity period of lithography printing house of the institution, a very limited number of them cooperated with this printing house. This convergence is seemingly in line with personal interests, economic benefits, and other possible issues and the divergence of many of the scribes can be interpreted by the help of the conflict between tradition and modernity. That is, the lithography printing produced a big bulk of books in a very short period of time at a very low cost. Consequently, the growth and expansion of this activity (modernism) resulted in a lower status of AQR's scribes (tradition). Therefore, the divergence among AQR's scribes can be considered an impeding factor beside the increasing number of productions of AQR's lithography printing house on the one hand, and making a negative attitude towards the products of this center among the cultural trustees of AQR on the other hand.

Keywords: Lithography Printing House, Astan Quds Razavi, Scribes, Calligraphers, Qajar Period.

1. PhD, Visiting Lecturer, Arts Department, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran; mostafa.shateri@yahoo.com; ORCID: 0000-0003-0236-8274.



همگرایی و واگرایی هنرمندان فعال در آستان قدس رضوی با چاپخانه سنگی آستانه (مطالعه موردی کاتبان)

مصطفی لعل شاطری^۱

چکیده

با ورود صنعت چاپ سنگی به ایران، پس از تهران و تبریز در سایر شهرهای ایران، چاپخانه‌های سنگی متعددی ایجاد و نخستین چاپخانه سنگی مشهد از سوی آستان قدس رضوی تأسیس شد. از دوره فعالیت (۱۲۹۴-۱۳۴۴ق.) چاپخانه سنگی آستانه بیست و هشت کتاب مورد شناسایی قرار گرفته است که در صفحات آغاز و پایان آن‌ها غالباً نام کاتبان قابل مشاهده است. هدف پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی پاسخ به این پرسش است که با ورود صنعت نوظهور چاپ به مجموعه آستان قدس رضوی، چه تعداد از کاتبان فعال در بخش‌های گوناگون آستانه به تعامل با این چاپخانه به عنوان یکی از بخش‌های فرهنگی نوپا پرداختند و علل همگرایی و واگرایی آنان چه بوده است؟ یافته‌ها مبنی بر مطالعه آرشیوی - اسنادی - فارغ از دیدگاه سبک‌شناسی و زیبایی‌شناسی - حاکی از آن است که از میان کاتبان فراوان حاضر در زیرمجموعه‌های اداری - فرهنگی آستان قدس رضوی، مقارن با دوران فعالیت چاپخانه سنگی آستانه، صرفاً تعداد بسیار محدودی به همکاری با این چاپخانه پرداخته‌اند. این همگرایی را می‌توان در راستای علایق شخصی، کسب منافع اقتصادی و سایر موضوعات احتمالی دانست. همچنین واگرایی حجم بسیاری از کاتبان را می‌توان در ساختار جدال میان سنت و تجدد تعریف کرد. به این معنا که فرآیند چاپ سنگی، حجم فراوانی از کتاب را در مدت زمان کوتاه و با هزینه‌ای بسیار اندک منتشر می‌ساخت. متعاقباً رشد و گسترش این جریان (تجدد)، موجب کاهش جایگاه کاتبان آستانه (سنت) را به همراه داشت. از این رو، واگرایی کاتبان آستانه را می‌توان به مثابه عاملی انفعالی در راستای افزایش تولیدات چاپخانه سنگی آستانه و از سویی ایجاد نگرش منفی نسبت به تولیدات این مرکز نزد متولیان فرهنگی آستانه برشمرد.

واژگان کلیدی: چاپخانه سنگی، آستان قدس رضوی، کاتبان، خوشنویسان، دوره قاجار

۱. دانش‌آموخته دکتری، مدرس مدعو، گروه هنر، مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران؛
mostafa.shateri@yahoo.com

مقدمه

تاریخ آغاز چاپ در ایران از جمله نقاط عطف در حوزه تاریخ فرهنگ و هنر محسوب می‌شود، چنانکه در پی آن تا حد زیادی محدودیت‌های پیشین در زمینه دسترسی به کتاب مبنی بر شیوه استنساخ حذف و امکان عمومی برای در اختیار داشتن آثاری با موضوعات مختلف و با هزینه بسیار کمتر فراهم شد. در این بین، چاپ سنگی به دلیل آسانی نسبی در فرآیند چاپ و سوددهی مطلوب برای ناشران و نیز خواست فزاینده مخاطبین، در حدود صدسال تولید کتاب را در ایران عهده‌دار بود. ورود چاپ سنگی به ایران از اواسط دوره قاجار به نحوی گسترده علاوه بر دو شهر تبریز و تهران، در سایر شهرها همچون مشهد مورد توجه حامیان فرهنگی قرار گرفت که به عنوان نمونه ثمره آن ایجاد چاپخانه‌ای در مشهد تحت عنوان چاپخانه سنگی آستان قدس رضوی (دوره فعالیت: ۱۲۹۴ق. تا ۱۳۴۴ق.) بود. هرچند اطلاعات گسترده‌ای از این چاپخانه و افراد مرتبط و نیز عوامل اجرایی آن در دست نیست، اما قدر مسلم در دوران فعالیت این چاپخانه بیش از بیست و هشت کتاب منتشر شد، چنانکه در صفحات اولیه و پایانی این آثار به وضوح نام چاپخانه و در بیست کتاب، نام کاتبان قابل مشاهده است. با این حال، موضوع مورد توجه در این پژوهش، پاسخ به پرسشی مبنی بر میزان تعامل و عدم تعامل کاتبان زیرمجموعه‌های اداری - فرهنگی آستان قدس رضوی با این مرکز نوظهور فرهنگی است. در این راستا، پس از اشاره به ورود چاپ سنگی به مشهد و تأسیس چاپخانه سنگی آستانه بر اساس بررسی اسنادی به شناسایی کاتبان آستانه در دوره مقارن با فعالیت چاپخانه و سپس بر اساس بررسی آرشیوی به شناسایی کاتبان فعال در چاپخانه پرداخته و در پایان میزان همگرایی و واگرایی کاتبان و دلایل احتمالی آن مطرح خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر پژوهش‌هایی در حوزه ورود چاپ به ایران و نخستین چاپخانه‌ها در دوره قاجار و فعالان آن صورت پذیرفته است که از جمله آنها می‌توان به شهلا بابازاده در تاریخ چاپ در ایران، حسین میرزای گلپایگانی در تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران، المپیادا پاولونا شچنگلوا در تاریخ چاپ سنگی در ایران اشاره کرد که به ارائه گزارش‌هایی بسیار محدود و گاه ناقص در زمینه چاپخانه‌های سنگی دیگر شهرها و تولیداتشان پرداخته‌اند. صرفاً در تک پژوهش مجید غلامی جلیسه با عنوان تاریخ چاپ سنگی اصفهان فعالان در چاپخانه‌های این شهر

موردبررسی قرار گرفته است. همچنین در زمینه زندگانی خوشنویسان دوره قاجار، مهدی بیانی در اثر جامعی با عنوان *احوال و آثار خوشنویسان*، علیرضا هاشمی نژاد در *سبک‌شناسی خوشنویسی قاجار*، منصور رحمانی در *خوشنویسی در عصر قاجار*، به شرح حال و ویژگی مهم سبک‌شناسی و زیبایی‌شناسی هنرمندانی پرداخته‌اند که در این دوره از اشتهار برخوردار بوده‌اند و عملاً کاتبان و خوشنویسان فعال در مشهد و به‌ویژه آستان قدس رضوی در این مجموعه ذکر نشده‌اند. از این منظر، تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه نخستین چاپخانه مشهد (آستان قدس رضوی) و متعاقباً فعالان این چاپخانه به صورت عام و کاتبان به صورت خاص و یا خوشنویسان آستان قدس رضوی در دوره قاجار از سوی پژوهشگران صورت نپذیرفته است.

روش پژوهش

گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر بر اساس بررسی آرشیوی است، چنانکه بیست مرکز نگهداری کتاب‌های چاپ سنگی در سراسر ایران مورد واکاوی قرار گرفته است. همچنین نگارش، روش توصیفی - تحلیلی در کانون توجه قرار دارد. پژوهش حاضر مبنی بر اطلاعات موجود تا زمان نگارش است و به دلیل پویایی اطلاعات و امکان دسترسی به کتاب‌هایی که تاکنون شناسایی نشده‌اند و اغلب در آرشیوهای شخصی نگهداری می‌شود، امکان ارائه مطالب نوین در نقاط مغفول حوزه موردبررسی در تحقیقات آینده وجود دارد.

چاپخانه سنگی آستان قدس رضوی

در ایران برای ایجاد چاپخانه از عصر صفوی به واسطه حضور مسیحیان کارملیت و ارمنیان تلاش‌هایی صورت پذیرفت. (اصلا نیان، ۱۳۹۹: ۱۶-۱۸)، اما در نهایت دوره قاجار و تلاش‌های عباس میرزا (۱۲۴۹-۱۲۰۳ ق.) مبدل به بستری برای ورود و رواج صنعت چاپ شد، زیرا یکی از حوزه‌ها مورد نظر نایب السلطنه، توجه به انتشار کتاب بود. (لعل شاطری، ۱۳۹۷: ۴۷) اولین چاپخانه از کشور روسیه وارد و نخستین کتاب، با عنوان *رساله جهادیه* در ۱۲۳۳ ق. منتشر شد. (بابازاده، ۱۳۷۸: ۱۳)، اما دوران فعالیت مرحله اول چاپ سربی بیش از دو دهه در ایران دوام نداشت و چاپ سنگی بنا به دلایلی همچون سهولت کار و افزایش سرعت، کاهش هزینه‌ها و امکان بهره‌گیری از ویژگی‌های زیبایی‌شناختی (همچون خطوط سنتی ثلث، نسخ و نستعلیق و نیز تصویرسازی) مورد استقبال قرار گرفت. (Shcheglova, 1999: 12) علاوه بر این، چاپ سربی

در تبریز و تهران به دلیل هزینه بالای انتشار، صرفاً به واسطه حمایت چهره‌های بانفوذ که به ارزش کتاب و چاپ آن آگاهی داشتند استمرار نسبی یافت و عملاً با مرگ حامیان اصلی این‌گونه از چاپ، چاپخانه‌های سربی حامیان مالی و فنی خود را از دست دادند. (Marzolph, 2007: 215؛ شچگلوا، 1388: 46) و پس از آن چاپ سنگی جایگزین آن شد.

چاپ سنگی در ایران بافاصله زمانی اندکی از ابداع آن و مجدد به واسطه کوشش‌ها عباس میرزا در تبریز آغاز شد (Green, 2010: 307؛ Marzolph, 2002: 256) و در ۱۲۴۹ق. نخستین کتاب آن (قرآن)، انتشار یافت. (قرآن، ۱۲۴۹: ۲۳۶-۲۳۷) پس از آن روند استقرار چاپخانه‌های سنگی در ایران تداوم یافت، چنانکه به احتمال فراوان در ۱۲۶۰ق. یک چاپخانه سنگی در اصفهان، در ۱۲۶۶ق. چهار الی پنج چاپخانه در تهران و در ۱۲۷۱ق. پانزده چاپخانه در تبریز مشغول به فعالیت بودند. (Floor, 1990: 4/762-763) هرچند نخستین چاپخانه‌های سنگی با حمایت دولت آغاز به فعالیت کردند، اما در اندک زمانی چاپخانه‌های خصوصی، چاپ کتاب را آغاز و آثار مورد نیاز جامعه را در اختیار متقاضیان قرار دادند. این چاپخانه‌ها بیشتر در حوزه مذهبی نظیر قرآن، تجوید، فقه، ادعیه و غیره، در ادبیات مذهبی با محوریت زندگانی ائمه اطهار (ع) همچون دیوان‌های مرثیه و ادبیات کلاسیک همچون داستان‌ها و افسانه‌ها به تولید و نشر آثار مشغول بودند. (شچگلوا، ۱۳۸۸: ۵۲)

هرچند چاپ سنگی با ورود به ایران در دو کانون اصلی تبریز و تهران آغاز به کار کرد، اما پس از چند دهه، در شیراز، اصفهان، مشهد، انزلی، رشت، اردبیل، همدان، خوی، یزد، قزوین، کرمانشاه، کرمان، گروس و کاشان، چاپخانه‌هایی تأسیس شد. (براون، بی تا: ۱۲۸/۲) با وجود اینکه در دوره قاجار چاپخانه‌های متعددی در مشهد فعالیت داشتند، اما اطلاعات موجود درباره آنان بسیار اندک است. نخستین گزارش موجود از سوی مشار در فهرست کتاب‌های چاپی فارسی ارائه شده است. او در ذیل دیوان حافظ به چاپ نسخه‌ای از این اثر در ۱۲۶۷ق. به شیوه چاپ سنگی در مشهد اشاره می‌کند. (مشار، ۱۳۵۱: ۲۲۸۷/۲) هرچند این اشاره مختصر تنها اطلاع موجود از نقطه آغازین فعالیت چاپ سنگی در مشهد است، اما نمی‌توان به آن اطمینان داشت، زیرا کتاب مذکور تاکنون یافت نشده است و از سویی پس از این تاریخ، به مدت دو دهه هیچ‌گونه گزارشی از چاپ کتاب در مشهد وجود ندارد.

مبنی بر شواهد مستند در دسترس، نخستین چاپخانه مشهد در مجاورت حرم امام رضاع) و زیر نظر آستان قدس رضوی تأسیس شد. اطلاعات در زمینه مکان‌یابی چاپخانه

سنگی آستانه محدود است. طبق طومار عضدالملک (۱۲۷۳ق.)، آستان قدس رضوی دارای یک باب ضرابخانه بود که در درب شرقی صحن مقدس جدید قرار داشت. (عضدالملک، ۱۳۷۹: ۴۷) به گزارش فهرست پیشنویس موقوفات آستان قدس رضوی، در ۱۳۵۳ ش. «در این ضرابخانه سکه یک قرانی و دوقرانی ضرب مشهد مقدس را تهیه می‌نموده‌اند. این ضرابخانه متصل ضلع شرقی صحن جدید در پشت آب انبار همین صحن واقع بوده است. پس از این‌که برای سکه قران، دولت ایران ضرابخانه را در ایران قرار می‌دهد و ماشین‌های ضرب سکه را خریداری می‌نماید، این ضرابخانه تعطیل می‌گردد و در محل مذکور یک مطبوعه چاپ سنگی دایر می‌نمایند و بعضی اوقات زیارت‌نامه و کتب ادعیه در مطبوعه سنگی مذکور چاپ می‌شده است. اکنون محل ضرابخانه و مطبوعه وجود خارجی ندارد و جزو دکاکین بازار کلاهدوزان موقوفه آستان قدس قرار گرفته است». (مولوی، ۱۳۵۳: ۲۵۶/۳-۲۵۷)

به احتمال فراوان از ۱۲۹۱ق. ضرابخانه آستانه تعطیل و طی چند سال زمینه لازم همچون فراهم‌آوری ابزار موردنیاز برای چاپ سنگی و افراد آشنا با اینگونه از چاپ به وسیله علاقه‌مندان و مسئولان حوزه تولیدات فرهنگی مشهد به صورت عام و آستان قدس رضوی به صورت خاص، در کانون توجه قرار گرفت و سرانجام در ۱۲۹۴ق. مقارن با تولیت مؤتمن‌الملک^۱، نخستین کتاب در این چاپخانه منتشر شد. (راقم مشهدی، ۱۲۹۴: ۱۸۹) با توجه به سابقه فرهنگی مؤتمن‌الملک^۲، تمایل به تأسیس چاپخانه‌ای در آستان قدس رضوی را می‌توان موضوعی موردعلاقه او دانست؛ چنانکه در ترقیمه نخستین کتاب انتشاریافته در این

۱. بازار کلاهدوزان در حدفاصل صحن نو و بست پایین خیابان واقع بود.

۲. آنچه مشهود است، حمایت تولیت وقت یکی از موضوعات حائز اهمیت در ایجاد نخستین چاپخانه سنگی مشهد بود. میرزا سعید خان انصاری (۱۲۳۱-۱۳۰۱ق.) که از ۱۲۶۴ق. به واسطه خط نیکو و دانش در زمینه ادبیات عرب و فارسی، به عنوان منشی امیرکبیر مشغول به فعالیت بود در ۱۲۶۸ق. به سرپرستی وزارت امور خارجه مأمور و به مؤتمن‌الملک ملقب شد. در ۱۲۹۰ق. از سوی ناصرالدین‌شاه به تولیت آستان قدس رضوی منصوب و تا ۱۲۹۷ق. عهده‌دار این مسئولیت بود. مؤتمن‌الملک در دوران تولیت علاوه بر فعالیت‌هایی عمرانی و بازسازی، در زمینه فرهنگی به تکمیل کتابخانه حرم مطهر و نیز تهیه اولین فهرست کتاب‌ها موجود در آن پرداخت (ممتحن‌الدوله، ۱۳۵۳: ۱۸-۲۰؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۹۶۸/۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۶۶۵/۲؛ ۳۰۴-۳۰۳؛ ساکماق، ۲۲۹۶۴: ۴-۱؛ ۴۰۷۵۹: ۴-۴۱۹۰۱: ۵-۱۵؛ ۴۱۹۱۴: ۴-۸).

۳. مؤتمن‌الملک دارای سبقه فعالیت‌های فرهنگی بود، چنانکه از جمله آثارش «سه جلد قانون ناصری است که در کتابخانه دولتی می‌باشد و کتاب گلستان شیخ سعدی را عربی نموده بود» (کرمانی، ۱۳۵۷: ۱۴۳/۱). همچنین کتابچه نحوه عمل فرخ خان امین‌الدوله با دولت‌های اروپایی را به خط شکسته کتابت کرد، به نحوی که در پایان آن، خط رمز و مهر مؤتمن‌الملک مشهود است (امین‌الدوله، ۱۳۵۸: ۱۱). متعاقباً در دوران تولیتش «ترتیب و تشویق اهل کمال نمود و کار آستانه را رواج داد» (افضل‌الملک، ۱۳۸۹: ۲۷۴).

چاپخانه (منتخب‌القصاید) نیز به این موضوع اشاره شده است. (همان: ۱۸۹) در طی دوران حیات چاپخانه سنگی آستانه هرچند متولیانی به حمایت از آن پرداختند، اما در مجموع نگرش مثبت و حمایت جدی نسبت به چاپخانه وجود نداشت. در سندی مربوط به ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۴۳ق. میرزا آقا طهرانی (استاد چاپ)، به شکایت از شخصی به نام حسین به دیلمی (رئیس کل محاسبات آستان قدس رضوی) پرداخته است که علاوه بر حکم تخلیه، به وسایل موجود آسیب رسانده و موجب تعطیلی چاپخانه شده است، اما فردی از مقامات آستانه پاسخگوی او نبود. (ساکماق، ۱:۰۵۳۲۳) مقارن با برخوردهای سلبی نسبت به این چاپخانه، با آغاز حکمرانی رضاشاه، از سویی به واسطه توجه به چاپ سربی و رفع نیازهای روزمره و متعاقباً روند رو به افول چاپخانه‌های سنگی در عرصه کشور، پایان حیات چاپخانه سنگی آستانه نزدیک شد.

آخرین گزارشی که از این چاپخانه در دست است، نامه درخواستی از سوی وزارت جنگ، اداره لشکر شرق (به شماره ۸۳۰) به تاریخ ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵ق. / ۲۸ مهر ۱۳۰۵ش. مبنی بر همکاری این چاپخانه در تهیه مدل تیراندازی است. (ساکماق، ۶۳۷۹۸: ۲) در حدود یک هفته بعد محمدولی اسدی، نایب‌التولیه، در پاسخ به اداره لشکر شرق در خصوص عدم امکان ساخت مدل تیراندازی در چاپخانه سنگی آستانه چنین پاسخ داد: «در جواب مراسله ۸۳۰. مطبوعه‌ای آستان مقدسه دایر داشته و بعضی زیارت‌نامه‌ها و ادعیه و غیره گاهی چاپ می‌شده و دو سال قبل شخص مباشر و عامل آن مرحوم شده و آن مطبوعه متروک شده. اگر کسی را که عامل و با ربط از این کار باشد آن اداره محترمه دارند ممکن است اعزام فرمایند تا لوازم چاپخانه را معاینه نماید کسری و نقص دارد یا صحیح است. چنانچه عامل را معرفی فرموده و اعزام نمایید مانعی نخواهد داشت». (ساکماق، ۶۳۷۹۸: ۳) بر اساس جدیدترین یافته‌های آرشیوی از سوی نگارنده، پس از آغاز به کار چاپخانه سنگی آستان قدس رضوی (۱۲۹۴ق.). طی پنج دهه (تا ۱۳۴۴ق.). کتاب‌های متعددی با درون‌مایه‌های گوناگون مذهبی، ادبی، فقهی و تاریخی با همکاری مؤلفان و مترجمان با استادان چاپ و حامیان مالی تولید شد که تاکنون حدود بیست‌وهشت عنوان از آن‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است که صرفاً در بیست کتاب، نام کاتب ذکر شده است.

کاتبان و خوشنویسانِ مجموعه آستانه

در دوره قاجار همچون ادوار گذشته، مبنی بر علایق فردی و جمعی و نیز هنجارهای هنری حاکم، اکثر شهرهای ایران مبدل به کانون‌هایی جهت ظهور و رشد هنر کتابت در عرصه‌های گوناگون به ویژه تولید کتاب شد، چنانکه در اوایل قرن دوازدهم هجری قمری «میرزا علی نیریزی خط نسخ را به مرتبه بالایی از زیبایی و کمال رساند و در انتهای همین قرن، با ظهور درویش، شکسته‌نویسی رواج پیدا نمود. با تشویق‌های محمدشاه قاجار این خط [نستعلیق] رواج گرفت و خوشنویسان بزرگی در این شیوه ظهور کردند [...] بزرگانی چون وصال شیرازی، نشاط اصفهانی، غلامرضا اصفهانی، امیرنظام گروسی، عبدالرحیم افسر اصفهانی، اسدالله شیرازی، غلامعلی اصفهانی، زین‌العابدین اشرف‌الکتاب اصفهانی، سید گلستانه، میرزای کلهر و ده‌ها هنرمند معروف دیگر». (غلامی جلیسه، ۱۳۹۱: ۸۸-۸۹) متعاقباً در مشهد، همچون سایر شهرهای ایران، کاتبان و خوشنویسانی برخوردار از سطوح مختلف تکنیکی حضور داشتند که زیرمجموعه‌های آستان قدس رضوی همچون کتابخانه^۱ را می‌توان مرکز هنرنامه‌ی آنان قلمداد کرد، چنانکه حضور این گروه از هنرمندان از دوره صفویه^۲ در مجموعه آستان قدس رضوی ثبت شده است.

آنچه مشهود است، بر اساس نیازهای گوناگونِ مجموعه آستانه در دوره قاجار، حضور

۱. در سیر تاریخی، ازجمله ارکان اصلی هر کتابخانه، کاتبان و رونویسان (نساخان) بودند: «مسلمانان در سده‌های میانی پی بردند که در کتابخانه‌های خود برای بازآفرینی و نشر کتاب‌ها به بخش ویژه‌ای نیاز دارند. آنان تقریباً این نیاز را با گماردن تنی چند رونویس در هر کتابخانه مهم برآوردند. رونویسان که در سده‌های میانی درست کار چاپخانه کتونی را انجام می‌دادند، بار سنگین وظیفه خود را با کامیابی فراوان به دوش می‌کشیدند و پیوسته برای کتابخانه‌ها کتاب‌هایی تازه برای نشر آماده می‌ساختند» (شبللی، ۱۳۸۱: ۱۶۴).
۲. بر اساس اسناد اکثر این افراد معمولاً با القابی عمومی همچون «کاتب کتابخانه»، «خوشنویس» و گاه اختصاصی همچون «کاتب سرکار فیض آثار»، «خوشنویس باشی» معرفی شده‌اند. ازجمله این کاتبان و خوشنویسان در دوره صفوی عبارت بودند از مولانا غلامرضا، مولانا عبدالله بن مولانا غلامرضا، مولانا محمدصادق مشهدی، حاجی میرزا علی مشهدی، ملا عبدالله کاشی (ملا عبدالله)، میرموسی، ملا محمدصادق، مولانا محمدباقر، مولانا اسدالله، خواجه فخر، حاجی محمد حسین بیگ بن رضوان بیگ، میر کمال‌الدین، محمد مقیم سبزواری، میرزا محمدعلی و ابوالحسن بن ملا ابوالقاسم نیشابوری (ساکماق، ۲۸۱۳۲: ۳-۴؛ ۲۸۰۶۹: ۱-۲؛ ۲۷۸۷۵: ۳؛ ۲۷۸۲۰: ۱۲، ۲۴؛ ۲۷۷۳۹: ۳؛ ۳۱۸۹۸: ۲؛ ۳۱۸۱۹: ۱؛ ۲۸۶۸۴: ۷۶-۷۵؛ ۲۸۴۶۰: ۳؛ ۲۸۳۳۳: ۸؛ ۲۸۵۹۴: ۱۲؛ ۲۸۶۴۴: ۶۷؛ ۳۲۹۷۴: ۲۷؛ ۳۲۴۶۳: ۲۷؛ ۳۲۲۲۳: ۴؛ ۳۲۲۳۳: ۶۴؛ ۳۰۴۳۶: ۲۲۴؛ ۳۱۸۳۲: ۴۸؛ ۳۲۲۶۲: ۱۰؛ ۳۳۲۶۴: ۷۶؛ ۳۲۵۵۸: ۸۰؛ ۳۱۹۸۶: ۳؛ ۳۱۹۸۵: ۵۶، ۶۱؛ ۳۲۶۳۳: ۱۲؛ ۳۳۴۲۵: ۳؛ ۳۳۴۳۰: ۱۶؛ ۳۲۸۵۶: ۱؛ ۳۲۹۲۲: ۲؛ ۳۳۳۸۳: ۹، ۱۳). از کاتبان و خوشنویسان فعال در مجموعه آستانه در دوره افشاریه و زندیه اطلاعات بسیار اندکی موجود است و صرفاً می‌توان به افرادی همچون میر فضل‌الله و ملا محمدجعفر بن آقا زین‌العابدین اشاره کرد (ساکماق، ۳۵۳۰۹: ۲-۱؛ ۳۵۲۷۴: ۱۳؛ ۳۴۶۷۶: ۳؛ ۳۵۰۷۹: ۱۲).

کاتبان و خوشنویسان فعال در زیرمجموعه‌های اداری-فرهنگی آستانه افزایش یافت. هرچند اطلاعات گسترده‌ای از این هنرمندان که دارای تعامل مقطعی و ثابت با مجموعه آستان قدس رضوی بوده‌اند در دست نیست و حتی در پژوهش‌های مرتبط نیز به این موضوع اشاره‌ای نشده است^۱، اما بر اساس اسناد موجود می‌توان صرفاً به اسامی آنان دست یافت، زیرا اشاره‌ای انحصاری به حوزه تخصصی فعالیت و یا ویژگی‌های هنری آنان نشده است. با این حال، دریافت می‌شود که اغلب آنان در استنساخ و بازنویسی کتب و گاه کتیبه‌نویسی، کتابت اسناد، دفاتر اداری، آموزش در مدارس زیر نظر آستانه و اموری مشابه آن مشارکت و فعالیت داشتند. این افراد بر اساس تقدم فعالیت از حدود ۱۲۶۰ق. تا ۱۳۴۴ق. عبارت بودند از:

ملا حسین کاتب (حاجی ملا حسین کاتب، آخوند ملا حسین کاتب) (ساکماق، ۱۲۴۷۲: ۵-۶؛ ۱۳۷۰۹؛ ۱: ۱۸۶۴۵؛ ۴: ۳۹۷۲۶؛ ۳۲: ۱۳۷۴۶؛ ۱: ۱۴۱۷۳؛ ۵: ۱۴۱۷۳)، ملا محمد حسین کاتب (ساکماق، ۱۳۷۸۳؛ ۱: ۳۹۵۳۱؛ ۵)، ملا محمد کاتب (ساکماق، ۳۹۹۵۴؛ ۹)، ملا علی اکبر کاتب (ساکماق، ۱۹۸۱۲؛ ۷: ۳۹۰۲۲؛ ۱۸)، ملا رضا کاتب (ساکماق، ۳۸۱۳۴؛ ۴: ۳۸۸۵۳؛ ۱)، سید محمد کاتب (ساکماق، ۱۴۱۷۹؛ ۹: ۱۸۶۴۸؛ ۱: ۱۸۶۴۸؛ ۳، ۶: ۳۸۵۶۲؛ ۵)، سید جعفر کاتب (ساکماق، ۳۸۵۶۹؛ ۵)، سید محمد بن میرزا صادق حسینی کاتب (ساکماق، ۱۴۲۹۶؛ ۵؛ ۱۸۷۱۱؛ ۱: ۵)، حاجی ملا محمد حسین بن کاظم کاتب (ساکماق، ۱۸۷۶۲؛ ۱: ۱۹۹۵۲)، حاجی ملا حسین بن کاظم کاتب (حاجی ملا حسین بن ملا کاظم کاتب، حاجی ملا حسین بن کربلایی کاظم کاتب) (ساکماق، ۱۸۷۱۳؛ ۱: ۱۸۷۱۳؛ ۵: ۴۰۲۱۸؛ ۳: ۳۸۷۶۰؛ ۸: ۱۹۷۲۴؛ ۱: ۵؛ ۴۰۲۷۰؛ ۲۳، ۲۵)، میرزا بابا حسینی کاتب (دفترخانه) (ساکماق، ۱۵۵۷؛ ۱۵: ۱۴۳۵۰؛ ۱۰: ۱۴۴۱۰؛ ۱۱)، ملا عبدالوهاب کاتب روزنامه (روزنامه‌چپه) (ساکماق، ۱۵۵۷؛ ۱۵: ۱۴۴۴۲؛ ۱: ۴۰۳۰۴؛ ۳، ۶)، میرزا معصوم کاتب (۳۹۷۵۶؛ ۱: ۳۹۸۶۴؛ ۱)، میرزا علیرضا کاتب کتایچه کل موقوفات. (ساکماق، ۴۰۴۴۶؛ ۱)، حاجی اسدالله بن سید محمد کاتب (حاجی سید اسدالله بن محمد کاتب) (ساکماق، ۳۸۴۶۵؛ ۱: ۴۴۷۹۵؛ ۱)، حاجی سید عبدالله کاتب (ساکماق، ۳۹۲۵۰؛ ۷)، سید محمد موسوی کاتب (ساکماق، ۱۹۷۷۵؛ ۵)، سید محمد حسینی کاتب (ساکماق، ۱۹۶۷۷؛ ۳)، ملا محمد حسینی کاتب (ساکماق، ۲۹۲۸۲؛ ۵)، میرزا بابا موسوی کاتب (دفتر (ساکماق، ۱۳۸۴۱؛ ۳: ۴۰۶۵۵؛ ۱۱)، میرزا احمد خوشنویس (ساکماق، ۳۸۵۹۹؛ ۲۱: ۳۸۵۶۹:

۱. به عنوان نمونه، در یکی از مهم‌ترین و جدیدترین پژوهش‌های صورت گرفته درباره تاریخچه کتابخانه آستان قدس رضوی، موضوع حضور، نقش و جایگاه کاتبان و خوشنویسان در کتابخانه، به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی آستانه در دوره قاجار، مغفول مانده است (محبوب فریمانی، ۱۳۹۰).

۴)، سید جعفر خوشنویس (ساکماق، ۳۸۶۲۲: ۴)، سید صادق خوشنویس (همان، ۳۸۸۶۱: ۴)، سید جمال خوشنویس (سید جمال‌الدین موسوی خوشنویس) (ساکماق، ۱۹۷۸۹: ۲؛ ۱۲۴۷۱: ۸؛ ۱۹۶۷۵: ۲)، محمد حسن بن ابراهیم خوشنویس (ساکماق، ۱۸۶۱۷: ۷؛ ۱۵۴۶: ۶)، ملاعلی خوشنویس (ملاعلی بن ملا محمدعلی خوشنویس) (ساکماق، ۱۳۶۵۷: ۶؛ ۲۰۱۴: ۱۶؛ ۴۳۶۳۶: ۱؛ ۲۰۶۹۱: ۱؛ ۴۰۶۸۳: ۱)، شیخ محمد حسن خوشنویس (ساکماق، ۴۳۸۳۹: ۷؛ ۱۹۶۹۰: ۸)، سید کمال خوشنویس (ساکماق، ۱۹۷۹۸: ۳)، میرزا حسن علی خوشنویس باشی (ساکماق، ۴۰۴۸۹: ۱)، میرزا آقا حسینی خوشنویس باشی (میرزا آقا خوشنویس باشی) (ساکماق، ۱۶۰۰۵: ۲۲؛ ۱۶۶۲: ۲؛ ۱۶۲۴۳: ۲۰؛ ۱۶۵۷: ۳)، میرزا حسینقلی خوشنویس باشی (ساکماق، ۴۰۶۰۱: ۱؛ ۱۳۸۸۳: ۱)، میرزا اسدالله حسینی خوشنویس باشی آستانه (ساکماق، ۱۶۲۰۲: ۱۰؛ ۱۶۱۲۸: ۴)، میرزا محمد حسین حسینی خوشنویس باشی (ساکماق، ۱۸۰۰۱: ۶۶؛ ۱۷۲۶۴: ۶)، میرزا محمدرضا حسینی خوشنویس (محمدرضا حسینی خوشنویس) (ساکماق، ۱۶۶۷۳: ۱۱؛ ۱۶۶۰۵: ۴۷؛ ۱۶۶۵۸: ۶۹؛ ۱۶۶۲۱: ۵۲)، میرزا نصرالله خوشنویس (ساکماق، ۱۵۳۹۸: ۴؛ ۱۱۹۹۵: ۲۲)، میرزا ابوالقاسم خوشنویس (ملا ابوالقاسم خوشنویس، میرزا ابوالقاسم بن ملا ابراهیم خوشنویس، میرزا ابوالقاسم بن ملا ابراهیم خوشنویس، میرزا ابوالقاسم بن ملا ابراهیم خوشنویس) (ساکماق، ۱۵۸۱۹: ۴۳؛ ۱۵۵۲۵: ۸۴؛ ۱۵۸۵۸: ۲۴؛ ۱۵۹۹۱: ۱۹؛ ۱۵۸۹۹: ۸۲؛ ۱۶۰۲۵: ۳۳)، میرزا علی خوشنویس (ساکماق، ۴۱۰۹۴: ۱۳)، میرزا عبدالعلی خوشنویس (میرزا عبدالعلی ادیب‌التولیه خوشنویس) (ساکماق، ۵۲۹۷۳: ۱؛ ۶۳۸۲۹: ۲۲؛ ۴۵۱۴۹: ۱۹۶)، میرزا محمدعلی خوشنویس (حاجی میرزا محمدعلی خوشنویس) (ساکماق، ۲۳۵۹۶: ۱۴؛ ۱۲۰۰۹: ۵)، میرزا غلامحسین مؤید دفتر خوشنویس (ساکماق، ۱۳۱۳۹: ۱۸؛ ۱۲۱۲۹: ۱)، میرزا تقی خان خوشنویس (ساکماق، ۱۰۳۷۰۰: ۱)، میرزا بزرگ نقوی اول خوشنویس کتابخانه (ساکماق، ۶۳۳۹: ۵؛ ۶۳۳۷: ۶) و میرزا غلامحسین کیمیا قلم خوشنویس. (ساکماق، ۴۵۱۴۵: ۱۶۹؛ ۱۰۴۳۹۶: ۱)

آنچه مشهود است، در این دوره کاتبان و خوشنویسان نسبتاً فراوانی در زیرمجموعه‌های آستانه فعالیت داشتند که شاید بتوان از منظر تکنیکی و جایگاه هنری، میان آنان تفاوت‌هایی را قائل شد. چنین به نظر می‌رسد که بر اساس کارکرد، کاتبان هنرمندانی بودند که در بخش‌های گوناگون به صورت روزانه و در قالب امری موظفی و بر اساس سفارش‌ها، با شتاب به نگارش (گونه‌های مختلف کتابت) مشغول بودند. متعاقباً در چنین شرایطی ابداع و نوآوری خاصی به ظهور نمی‌رسید، زیرا سرعت در تولید اثر بر کیفیت غالب بود. با این حال،

آنچه امروزه حجم گسترده‌ای از آثار مکتوب برجای مانده به ویژه در حوزه اسناد و کتابچه‌های مجموعه آستان قدس رضوی را شامل می‌شود، حاصل تلاش و تولیدات گسترده کاتبان است. گروه دیگر خوشنویسان بودند که گویا بر اساس خلاقیت ذاتی به ابداع و نوآوری‌هایی در زمینه گونه‌های مختلف نگارش - برخوردار از کاربردهای متفاوت - می‌پرداختند. بر این اساس، این افراد صرفاً نگارشگرانی محض با تولیداتی فراوان محسوب نمی‌شوند، بلکه هنرمندانی تیزبین بودند که ضمن برخورداری از آزادی عمل نسبی و صرف وقت به خلق آثاری ممتاز در حوزه‌های گوناگون نگارش می‌پرداختند و از جایگاه هنری برتر و به احتمال برخوردار از مزایا و مرتبه‌ای متفاوت بودند، به نحوی که می‌توان خوشنویس‌باشی را بالاترین رتبه و تا حدودی ناظر بر کاتبان و خوشنویسان برشمرد.

کاتبان چاپخانه سنگی آستانه

یکی از ویژگی‌های برتری و محبوبیت چاپ سنگی، بهره‌گیری از شیوه کهن نگارش (خوشنویسی، به ویژه نسخ و نستعلیق) برخلاف چاپ سربی، در تولید کتاب بود، چنانکه کاتبان را می‌توان از جمله مخالفان چاپ سربی دانست، زیرا بهره‌گیری از حروف سربی، بی‌توجهی به کاتبان و تبعات معیشتی را برای آنان به همراه داشت و در نقطه مقابل، چاپ سنگی مجدد این گروه از هنرمندان را به عرصه تولید کتاب بازگرداند. بر اساس بررسی کتاب‌های تولیدی در چاپخانه سنگی آستانه همچون ساختار غالب بر سایر چاپخانه‌های سنگی، از دو خط مورد استقبال (نسخ و نستعلیق)، الگوبرداری و عموماً نام کاتبان در صفحه / صفحات اول و یا آخر^۱ با پسوندهایی همچون «حَرَزَه»^۲، «الْعَبْد»، «الْعَبْد العاصِی»، «أَقْل الطُّلاب»، «أَقْل الجانی»^۳، «بَیْدِ الْعَبْد»^۴، «کمترین» و پسوندهایی مشابه (به نشانه تواضع

۱. هرچند در چاپ سنگی بزرگ‌ترین رقم هر چاپ کتاب ۷۰۰ مجلد بود که گاه فروش این تعداد سال‌ها طول می‌کشید (شهری، ۱۳۷۶: ۲/۲۱۰) و عملاً میزان رجوع به کاتبان برای تولید کتاب را کاهش می‌داد، اما این گونه از چاپ، مجدد جایگاه کاتبان را احیا کرد. در فرآیند چاپ سنگی، ابتدا به وسیله کاتب نسخه‌ای از کتاب مورد نظر (غالباً نسخه خطی) با جوهر مخصوص بر کاغذ انتقال کتابت و سپس بر سنگ مخصوص چاپ منتقل و چاپ آغاز می‌شد.
۲. در کتاب‌های چاپ آستانه، مواردی دچار نقص در اول و آخر (ناقص‌الاول، ناقص‌الآخر) است. این موضوع غالباً به واسطه فرسودگی، استفاده مکرر و عدم نگهداری صحیح رخ داده است. بر این اساس، اطلاعاتی از کاتبان برخی آثار نمی‌توان به دست آورد.
۳. نوشت آن را.
۴. کمترین فردی که شایسته گرامی و عزیز داشتن است.
۵. به دست بنده.

کاتب)، مشاهده می‌شود. به‌طور معمول، پس از عبارت پایانی کتاب، کاتب نام خود را بیان و گاه سختی کتابت، عذرخواهی جهت غلط‌های سهوی^۱ و دعا برای خود و سایر موارد که در دوران کتابت با آن مواجه بوده را بیان کرده است. با بررسی کاتبان چاپخانه سنگی آستانه مشخص می‌شود بهره‌گیری از هنرمندان مختلف و گاه برخوردار از سطح توانایی متفاوت مورد توجه بوده است، زیرا چنین به نظر می‌رسد مبنی بر میزان اهمیت اثر و یا حامی مالی، بهره‌گیری از هنرمندان متبحر، متوسط و گاه ضعیف در دستور کار قرار داشته است.

به احتمال فراوان از جمله وظایف کاتبان چاپخانه سنگی آستانه، علاوه بر کتابت بر روی کاغذ انتقال، صفحه‌بندی (صفحه‌آرایی) بود که گاه مبنی بر علائق شخصی و گاه با توصیه ناشر در هنگام کتابت انجام می‌شد. با بررسی کتاب‌های چاپخانه آستانه مشخص می‌شود که این کار به معنای جای دادن ظریف و زیبای متن در یک، دو، چهار و شش ستون بود. برای مرز ستون‌ها و مجزاسازی عنوان‌ها، جدول‌بندی عمودی و افقی و خط درشت‌تر به‌کاررفته و گاه تزییناتی (به‌ویژه در دیوان‌های شعر) همچون نقش و نگارهای کوچک میان اشعار قرار داده شده است. باین‌حال، آراستن هر اثر به شیوه‌های گوناگون صورت پذیرفته است. در بسیاری از کتاب‌های این چاپخانه، متن علاوه بر میان صفحه، در کناره‌ها به دو صورت حاشیه نوشتاری ساده و حاشیه نوشتاری مزین در اشکال مختلف مربع، مثلث و غیره قرار دارد؛ جریانی که عهده‌دار آن کاتبان بودند. سرلوحه بخشی دیگر از آرایه‌های هنری کتاب‌های چاپ سنگی آستانه است که به احتمال فراوان غالباً از سوی کاتبان در صفحه آغازین متن در قالب طرحی مُدَهَب و مُنْقَش نصف یا ثلث صفحه را در برمی‌گیرد و در یک کادر مستطیل شکل به نام پیشانی قرار دارد و شامل سرلوحه و کتیبه‌های مخصوص است. تزیینات سرلوحه اکثراً به صورت تذهیب و گاهی با نقوش تشعیر و عموماً شامل گل و بته‌های ختائی و اسلیمی همراه با شکل‌سازی‌هایی از حیوانات، گره‌سازی‌ها و ترکیبات مجرد و هندسی تذهیب است.^۲ از میان ۲۸ کتاب مورد شناسایی صرفاً در ۲۰ کتاب، نام ۹ کاتب ذکر شده است. این هنرمندان بر اساس سال انتشار آثار عبارت‌اند از:

۱. به‌عنوان نمونه در پایان سرور المؤمنین، از سوی مؤلف چنین به این موضوع اشاره شده است: «عرضه می‌دارد مؤلف کتاب برای باب بصیرت و دانش که اگر چنانچه در این نسخه سهو و نسیانی ببینند چشم ببوشند که تقصیر کار کاتب است، چراکه از کثرت اشتغال به تصحیح پرداخته نشد و بعد از طبع شدن معلوم شد. لهذا در صفحه آخر غلط‌ها تصحیح شد» (جسور، ۱۳۱۱: ۱۱۷).

۲. باین‌حال، تمامی کتاب‌ها برخوردار از سرلوحه نیست و گاه صرفاً عنوان اثر به صورت درشت و گاه با خطی متفاوت قابل مشاهده است.

علی راقم مشهدی: علی بن محمد حسن مشهدی خراسانی متخلص به راقم، مشهور به راقم مشهدی و ملقب به امین الشعرا (راقم مشهدی، ۱۳۰۲: ۳۲۶؛ تفرشی، ۱۳۱۴: ۴۷۰؛ زنجانی، ۱۳۱۲: ۲۸۴؛ مشهدی بخارایی، ۱۳۱۰: ۱)، به واسطه اشعار سراسر ستایش آمیز در مدح امامان شیعی و رجال سیاسی - نظامی به «راقم مداح» معروف بود. (طهرانی، بی تا: ۳۵۱/۹) گویا در میانسالی علاوه بر فعالیت در حوزه ادبیات منظوم، در صحن جدید دارای مکتبخانه‌ای بود که در آن به آموزش فرزندان اعیان مشهد می پرداخت. راقم از خط زیبایی برخوردار و کتیبه‌های متعددی در صحن‌ها و مساجد مشهد به وسیله او کتابت شده است. (گلشن آزادی، ۱۳۷۳: ۲۴۹) راقم از جمله کاتبانی بود که قبل از ورود چاپ به مشهد، در این حوزه هنری فعال بود و متعاقباً با آغاز به کار چاپخانه سنگی آستانه، به عنوان نخستین کاتب به همکاری با این چاپخانه پرداخت و عهده‌دار کتابت منتخب القاصید، رساله مسئله، نجات العاصین طی سال‌های ۱۲۹۴-۱۳۱۰ ق. شد.^۲ (راقم مشهدی، ۱۲۹۵: ۱، ۱۸۹؛ انصاری، ۱۲۹۵: ۱، ۲۰۰؛ مشهدی بخارایی، ۱۳۱۰: ۱، ۵۶۲)

ابراهیم رضوی: او عهده‌دار کتابت البحر الصافی در ۱۲۹۵ ق بود. در انجامه این اثر، کاتب خود را چنین معرفی کرده است: «کتبه العبد المذنب العاصی المحتاج الی رحمه ربه الغنی ابراهیم بن ابی القاسم الرضوی غفرالله له». (حسینی هندی، ۱۲۹۵: ۲۵۵) اطلاعات گسترده‌ای از این فرد در دست نیست. گویا از فعالان در بخش اداری مجموعه آستانه^۳ و حرفه اصلی او کتابت نبوده و صرفاً به واسطه درخواست استاد چاپ به همکاری با چاپخانه پرداخته است، چنانکه پس از آن، نام او در هیچ یک از کتاب‌های انتشار یافته در این چاپخانه و سایر چاپخانه‌های مشهد مشاهده نمی شود.

میرزا طاهر طبیب مشهدی: او عهده‌دار کتابت کلیات جودی، رساله طاعونیه، الفیه طبیه

۱. از نسخ خطی کتابت شده از سوی او می توان به حکایات منظوم، گنجینه المعانی، نصاب الشعراء، زیارات، دیوان راقم طوسی، تراپوتیک و دواسازی اشاره کرد (راقم مشهدی، بی تا: ۱-۱۱۲؛ همان، ۱۲۸۴: ۸۰، ۱؛ همان، ۱۲۹۶: ۱، ۱۵۴؛ همان، ۱۳۱۰: ۱، ۲۵۰؛ همان، ۱۳۱۴: ۱، ۴۲؛ همان، ۱۳۲۱: ۱، ۵۸۰؛ تفرشی، ۱۳۱۴: ۱، ۱۶).

۲. او با سایر چاپخانه‌های مشهد نیز در تعامل بود. به عنوان نمونه در ۱۳۱۲ ق. کتابت نورالنما (انتشار یافته در چاپخانه شیخ محمد طهرانی) را به پایان رساند (زنجانی، ۱۳۱۲: ۱، ۲۸۴). هر چند اطلاعاتی در زمینه توانایی هنری راقم در منابع ذکر نشده است، اما او گاه در میان اشعارش به آن اشاره داشته است:

[...] باوجود بی مشوق بودن و بی مکنتی نُه قلم را کرده خود تحصیل با رنج و تعب
ثُلث و تعلیق و شکسته، نسخ و ریحان و رِفاع نسخ تعلیق و دو خط از کوفیش شد مُنتخب [...] (راقم مشهدی، ۱۲۹۵: ۲۳)

۳. برای اطلاع بیشتر از خاندان رضوی و حضور آنان در مجموعه آستان قدس رضوی، رک: (رضوی، ۱۳۵۲).

طی سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۱۷ ق. بود.^۱ (خراسانی، ۱۳۱۱: ۱، ۲۵۰؛ ملک‌الحکماء، ۱۳۱۴: ۱، ۱۴؛ مشهدی، ۱۳۱۷: ۱، ۱۲۰) میرزا طاهر طبیب در زمره خادمان آستان قدس رضوی (خادم کشیک ثالث آستانه) قرار داشت. (همان: ۲۶۳)، چنانکه نام او در عرایض و درخواست‌های مربوط به کارکنان آستانه مربوط به ۱۳۱۶ ق. (ساکماق، ۴۱۳۱۹: ۵) و نیز پرداخت مواجب نقدی و جنسی خدام در ماه شوال ۱۳۳۳ ق. (ساکماق، ۱۸۴۰۸: ۴۵۳) مشاهده می‌شود. بر اساس پسوند نام میرزا طاهر، گویا حرفه اصلی او طبابت در مشهد و بر اساس علایق شخصی به حوزه فرهنگ و تعامل با مجموعه آستانه، به کتابت آثاری برای چاپخانه پرداخته بود.

عبدالرزاق یزدی اردکانی: او عهده‌دار کتابت *رشف العسل* و *كشف الغزل*، *آداب الشریعه المظهره* طی سال‌های ۱۳۱۶-۱۳۳۱ ق. بود.^۲ (حسینی هندی، ۱۳۱۶: ۱، ۲۵۶؛ فشارکی، ۱۳۳۱: ۱، ۱۱۲) این هنرمند از جمله کاتبانی بود که گویا قبل از آغاز همکاری با چاپخانه سنگی آستانه به کتابت نسخ خطی مشغول بود^۳ و فعالیتش با ورود چاپ سنگی به مشهد ادامه یافت. با این حال، چنین به نظر می‌رسد حرفه اصلی و امرارمعاش او به واسطه کتابت نبود، بلکه این هنر را در کنار سایر فعالیت‌هایش و به درخواست استادان چاپ، عهده‌دار بود.

عبدالحسین بن میرزا نصرالله: او عهده‌دار کتابت *تسلیه العباد* در ۱۳۲۱ ق. بود.^۴ (شهیدثانی، ۱۳۲۱: ۱، ۱۶۰) مبنی بر اسناد برجای مانده، فردی بانام میرزا نصرالله صحاف‌باشی در بخش صحافان کتابخانه آستانه فعال بوده (ساکماق، ۱۸۲۶۳: ۸-۷) و نیز فردی به همین نام با عنوان کتیبه‌نویس در مجموعه آستانه اشتغال داشته است. (ساکماق، ۱۳۰۴۰: ۲۶؛ ۱۴۷۰۳: ۱؛ ۲۲۹۱۷: ۱۳؛ ۴۰۹۸۴: ۳) که انتصاب فرد اخیر به عنوان پدر عبدالحسین از احتمال بیشتری

۱. او با سایر چاپخانه‌های مشهد نیز در تعامل بود. به عنوان نمونه در انتشار *مظفرنامه همایون و آثار الرضویه من منتخبات الصدیقیه* به عنوان کاتب با چاپخانه شیخ محمد طهرانی همکاری داشت (ملک‌الحکماء، ۱۳۱۴: ۱-۳؛ مستوفی همدانی، ۱۳۱۷: ۲-۱، ۳۶۳-۳۳۲).

۲. او با سایر چاپخانه‌های مشهد نیز در تعامل بود. به عنوان نمونه در انتشار *بودجه مدارس خیریه سعادت* به عنوان کاتب با چاپخانه برادران محمدزاده تبریزی همکاری داشت (ناشناس، ۱۳۲۷: ۱، ۱۴۳).

۳. در انجامه یک نسخه از *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه* در ۱۳۰۲ ق. و سه نسخه خطی از *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن* طی سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۱۳ ق. نام عبدالرزاق بن حاجی بابا اردکانی یزدی مشاهده می‌شود. این احتمال وجود دارد که این فرد همان کاتب کتاب‌های چاپ سنگی آستانه باشد (مجلسی، ۱۳۰۲؛ ابوالفتح‌رازی، ۱۳۰۸؛ همان، ۱۳۰۹؛ همان، ۱۳۱۳).

۴. او با سایر چاپخانه‌های مشهد نیز در تعامل بود. به عنوان نمونه در انتشار *البحر الصافی* به عنوان کاتب در یکی از چاپخانه‌های ناشناس مشهد همکاری داشت (حسینی هندی، ۱۳۱۷: ۱، ۲۵۰).

برخوردار است. از این رو، عبدالحسین با فراگیری شغل پدر، نخست در فن کتیبه نویسی گام نهاد، چنانکه خود را در انجامه تسلیه العباد «کتیبه نویسی آستانه مبارکه» (شهیدثانی، ۱۳۲۱: ۱۶۰) معرفی می‌کند و گویا به واسطه برخوردارگی از خط نسبتاً مطلوب به عرصه کتابت نیز ورود پیدا کرد. بر این اساس دریافت می‌شود که حرفه اصلی او کتیبه نویسی در آستانه بود و گویا بنا به درخواست استاد چاپ به کتابت صرفاً یک اثر پرداخت.

عبدالعلی: او عهده‌دار کتابت ذریعه الرضویه، نحو دبستانیان، منتخب التجوید، زیارت دوره حرم حضرت رضا (ع) طی سال‌های ۱۳۲۱-۱۳۴۴ ق. بود.^۱ (میرزای گوهری، ۱۳۲۱: ۱، ۲۲۰؛ قزوینی، ۱۳۲۷: ۱، ۱۴۸؛ قاری عرب، ۱۳۴۱: ۱، ۹۶؛ طباطبایی، ۱۳۴۴: ۱، ۳۲) عبدالعلی در غالب آثار، خود را «مصصح کتابخانه» و «مصصح کتابخانه مبارکه رضویه» معرفی کرده است. از این رو، دریافت می‌شود که شغل اصلی او مصصح مشغول به فعالیت در کتابخانه آستان قدس رضوی بود، چنانکه در اسناد برجای مانده نام او به صورت کامل (حاجی میرزا عبدالعلی ادیب‌التولیه مصصح کتابخانه) قابل مشاهده است. (ساکماق، ۱۷۱۹۲: ۳-۴؛ ۱۷۶۱۳: ۴؛ ۱۸۰۰۲: ۷۲؛ ۱۸۱۹۸: ۱۷؛ ۱۹۰۴۸: ۱؛ ۱۹۱۹۳: ۱۰؛ ۲۲۳۹۹: ۱؛ ۱۰۳۲۲۹: ۱، ۴)

محمدحسین هروی: او عهده‌دار کتابت بحرالفوائد در ۱۳۲۴ ق بود.^۲ (مهاجر هروی، ۱۳۲۴: ۱، ۵۷۲) از او اطلاعاتی چندانی در دست نیست و اثری با کتابت او در نسخ خطی یافت نشد. تنها نشانه موجود از حوزه کاری این فرد را می‌توان فعالیت همراستا با برادرش در حوزه تعلیم و تربیت دانش‌آموزان مشهد دانست.^۳ گویا هروی به درخواست استاد چاپ و یا مؤلف جهت

۱. او در انتشار زیارت دوره حرم حضرت ثامن‌الائمه (ع)، زیارات مأثوره حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع)، تبصره النحو، چهل حدیث در فضائل حضرت علی (ع)، انقلاب طوس، تجوید فرهنگ، آداب زیاره جامعه کبیره، نصاب الصبیان منتخب به عنوان کاتب با سایر چاپخانه‌های مشهد نیز همکاری داشت (مجتهدزاده، ۱۳۳۲: ۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۳۳۲: ۱، ۶۴؛ هروی، ۱۳۳۳: ۱، ۷۴؛ عبدالعلی، ۱۳۳۶: ۸، ۸؛ هروی، ۱۳۳۹: ۲۲۴؛ عرب، ۱۳۴۰: ۱، ۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۴۳: ۱، ۲۴؛ ابونصر فراهی، ۱۳۴۴: ۱، ۴۸). همچنین او در کتابت نسخ خطی فعال بود، چنانکه از جمله آثار او میتوان به دیوان عاشق اصفهانی و ایساغوجی اشاره کرد (عاشق اصفهانی، ۱۳۴۱؛ اثیرالدینابهری، ۱۳۴۵). علاوه بر این، عبدالعلی عهده‌دار کتابت نشریات مشهد نیز بود، چنانکه در شماره چهارم نشریه خورشید مورخه ۱۲ صفر ۱۳۲۵ ق. که با شیوه چاپ سنگی در چاپخانه محمدزاده منتشر شد، نام عبدالعلی چنین مشاهده می‌شود: «حرره عبدالعلی مصصح کتابخانه مبارکه رضویه» (خورشید، س ۱، ش ۴: ۸).

۲. او با سایر چاپخانه‌های مشهد نیز در تعامل بود. به عنوان نمونه، در انتشار تاریخ‌نامه ادبی و اخلاقی مستخرج از شاهنامه به عنوان کاتب با چاپخانه علمی همکاری داشت (بدایع‌نگار، ۱۳۳۱: ۱، ۱۴۴).

۳. برادر او، محمدحسن هروی، مدرس آستان قدس رضوی و معلم عربیات و ادبیات مدرسه متوسطه دولتی دانش و مدارس متحده مشهد بود. این فرد که گاه خود را «محمدحسن بن محمدتقی خراسانی اقل خدام دربار سرکار

تولید یکی از آثار پرحجم و نفیس، به همکاری با چاپخانه آستانه پرداخت و او را نمی‌توان در زمره کاتبان فعال مشهد دانست.

ابن ملاعلی تبریزی: او عهده‌دار کتابت *اكفاء المكائد و اصلاح المفسد* در ۱۳۲۶ ق. بود. (آیتی قائینی، ۱۳۲۶: ۱، ۲۷۶) از او اطلاعاتی در دست نیست، اما به احتمال فراوان فرزند علی تبریزی کاتب آثاری همچون *منهاج المناهج، خصایص الحسین و مزایا المظلوم، مشکوة الانوار، رساله، منبۀ فواد المهتدین* باشد. (یوحنا، ۱۳۰۷؛ شوشتری، ۱۳۰۸؛ مجلسی، ۱۳۰۸؛ مامقانی، ۱۳۱۲؛ راجی تبریزی، ۱۳۱۳) با توجه به عدم ذکر نام ابن ملاعلی در نسخ خطی و کتاب‌های چاپ سنگی به‌عنوان کاتب، به نظر می‌رسد که فعالیت هنری‌اش، منحصر به همین کتاب و گویا به درخواست استاد چاپ بوده است.^۱

محمدحسن بن ابراهیم نجف‌آبادی اصفهانی: او عهده‌دار کتابت *تذکره المؤمنین، رساله مسئله، ذخیره المعاد، وسیله الامان من مکائد الشیطان طی* سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۴۰ ق. بود.^۲ (حسینی کاشانی، ۱۳۳۰: ۱، ۱۱۰؛ انصاری، ۱۳۳۱: ۱، ۱۵۴؛ حائری‌مازندرانی، ۱۳۳۱: ۱، ۶۸۸؛ خراسانی، ۱۳۴۰: ۱، ۱۵۶) از او اطلاعاتی چندانی در دست نیست و اثری با کتابت او در نسخ خطی یافت نشد. بر این اساس، گویا او برخوردار از شغلی دیگر و به‌صورت مقطعی به کتابت این آثار پرداخته است.^۳

ولایت‌مداری» معرفی کرده است، با ایجاد نخستین مدارس در مشهد، به تدریس مشغول شد و در دوران فعالیت، به تولید چند کتاب درسی پرداخت که در سراسر ایران مورد استفاده قرار گرفت (هروی، ۱۳۳۹: ۲؛ هروی، ۱۳۵۰: ۱؛ هروی، ۱۳۴۱: ۳؛ بهار، ۲، ش: ۳۱).

۱. از سویی دلیل کتابت *اكفاء المكائد و اصلاح المفسد* به‌وسیله ابن ملاعلی تبریزی احتمالاً محتوای آن بود؛ رد نظر و عقاید صوفیان. گویا سایر نویسندگان به‌واسطه گرایش‌های احتمالی صوفیانه، مراوده با آنان و یا باورهای نسبی به فرق صوفیه، از کتابت آن خودداری و ابن ملاعلی تبریزی از میان‌اندک‌گزینه‌ها، تنها کاتبی بود که به جهت همراستایی فکری با مضمون اثر، کتابت آن را عهده‌دار شد.
۲. همچنین او در انتشار دو کتاب *رساله ارث به‌ضمیمه نفقات و رساله فی اصول‌الدین و بعض مسائل الارث* به‌عنوان کاتب با سایر چاپخانه‌های مشهد همکاری داشت (خراسانی، ۱۳۴۰: ۱، ۱۵۴؛ موسوی‌غزینی کابلی، ۱۳۴۷: ۱، ۲۰).
۳. این احتمال وجود دارد که او ساکن نجف‌آباد واقع در شهر اصفهان بوده و در یک دهه حضور در مشهد، به همکاری با چاپخانه آستانه و سایر چاپخانه‌ها مشهد پرداخته باشد. این احتمال زمانی تقویت می‌گردد که بر اساس کتاب‌های شناسایی شده، بین هر اثر تولیدی او یک دهه فاصله وجود دارد و گویا در هر سفر به مشهد، کتابت این آثار را به انجام رسانده است (سه کتاب بین سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۲ ق. دو کتاب در ۱۳۴۰ ق. و یک کتاب در ۱۳۴۷ ق.).

کاتبان چاپخانه آستانه		
میزان مشارکت	دوره همکاری	مشخصات فردی
۳ کتاب	۱۲۹۴-۱۳۱۰ق.	علی راقم مشهدی
۱ کتاب	۱۲۹۵ق.	ابراهیم رضوی
۳ کتاب	۱۳۱۱-۱۳۱۷ق.	میرزا طاهر طبیب مشهدی
۲ کتاب	۱۳۱۶-۱۳۳۱ق.	عبدالرزاق یزدی اردکانی
۱ کتاب	۱۳۲۱ق.	عبدالحسین بن میرزا نصرالله
۴ کتاب	۱۳۲۱-۱۳۴۴ق.	عبدالعلی
۱ کتاب	۱۳۲۴ق.	محمدحسین هروی
۱ کتاب	۱۳۲۶ق.	ابن ملاعلی تبریزی
۴ کتاب	۱۳۳۰-۱۳۴۰ق.	محمدحسن نجف آبادی اصفهانی

نتیجه

با ورود چاپ سنگی به ایران، در اکثر شهرهای ایران از جمله مشهد با محوریت آستان قدس رضوی نخستین چاپخانه تأسیس و طی پنج دهه آثار متعددی در آن تولید شد. مبنی بر پاسخ به پرسش اصلی پژوهش با محوریت بررسی اسنادی و منابع آرشیوی، چنین دریافت می‌شود که باوجود ظهور چاپخانه سنگی در ساختار فرهنگی آستان قدس رضوی از اواسط دوره قاجار، میزان همگرایی کاتبان و خوشنویسان زیرمجموعه‌های فرهنگی - اداری آستانه با این چاپخانه بسیار محدود بود. از میان بیست کتاب چاپخانه آستانه که نام کاتب در آن ذکر شده است، صرفاً یک کاتب فعال در آستانه (عبدالعلی) در تولید چندین کتاب مشارکت داشته و دو کاتب دیگر (میرزا طاهر طبیب مشهدی و عبدالحسین بن میرزا نصرالله) باوجود عدم برخورداری از شغل کاتب در مجموعه آستانه و صرفاً انتصاب شغلی دیگر، عهده‌دار کتابت چند اثر بوده‌اند و عملاً نامی از کاتبان و خوشنویسان نسبتاً فراوان مجموعه آستانه در دوران حیات چاپخانه، در هیچ‌یک از کتاب‌های تولیدی قابل مشاهده نیست. هرچند اطلاعات دقیقی از علت این واگرایی در دست نیست، اما در چند زیرشاخه عمده، دلایل احتمالی آن

قابل ذکر است. در حوزه همگرایی بسیار اندک می‌توان حضور کاتبان مذکور را مبنی بر علائق شخصی به محتوای کتاب، کسب درآمد و نیز درخواست استادان چاپ را نزدیک به یقین دانست و در زمینه واگرایی که نقطه عطف این پژوهش و مهم‌ترین یافته آن نیز محسوب می‌شود، دلیل اصلی را می‌توان جهت‌گیری مستقیم در راستای تقابل با صنعت نوظهور چاپ سنگی در مجموعه آستانه دانست، زیرا در صورت رشد، گسترش و نفوذ نقش و جایگاه چاپخانه، تعداد بسیاری از کاتبان حوزه فعالیت‌شان با تهدید جدی روبرو می‌شد. از این رو، واگرایی مشهود از سوی کاتبان و خوشنویسان در توجه و تعامل با چاپخانه، رویکردی تقابلی برای حفظ نقش و جایگاهشان در زیرمجموعه‌های فرهنگی - اداری آستانه بود. به عبارتی دیگر، با توجه به گستره حضور کاتبان مقارن با دوره فعالیت چاپخانه، تقابل افراد شاغل در این حرفه و گاه حامیان آنان با چاپخانه، به عنوان یکی از دلایل انفعالی، موضوعی حائز اهمیت است. با توجه به پیشینه حرفه کتابت به عنوان یکی از ارکان اصلی مجموعه آستان قدس رضوی، با ورود چاپ سنگی، ایجاد جریانی در ضدیت با فعالیت گسترده و پویای چاپخانه و ایجاد نگرش منفعلانه و سوگیرانه از سوی کاتبان موضوعی قابل پذیرش است، چراکه رشد این صنعت نوظهور در مجموعه آستانه، موجب کاهش جایگاه و متعاقباً کاهش سفارش به کاتبان را به همراه داشت. بر این اساس، تلاش کاتبان فعال در مجموعه آستانه بر ایجاد نگاه منفی نسبت به جریان فعالیت چاپخانه امری قابل پذیرش است، به نحوی که احتمالاً تأثیرات این‌گونه از نگرش در رویکرد متولیان و صاحب‌منصبان فرهنگی - اداری مجموعه آستانه تأثیرگذار بود؛ جریانی که می‌توان آن را در قالب جدال سنت و تجدد بازتعریف کرد.

منابع

- اصلانیان، صبح دیوید. (۱۳۹۹ش). ظهور اولیه چاپ در عصر صفوی: نگاهی نو به نخستین چاپخانه ارمینان در جلفای نو. ترجمه مصطفی لعل شاطری. قم: وراقان.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۲ش). مطلع الشمس. به کوشش تیمور برهان لیموده‌ی. تهران: فرهنگسرا.
- افضل الملک، غلامحسین. (۱۳۸۹ش). ظفرنامه عضدی. تصحیح محمدرضا قصابیان. مشهد: انصار.
- امینالدوله، فرخ‌خان. (۱۳۵۸ش). مجموعه اسناد و مدارک فرخخان امینالدوله. به کوشش کریم اصفهانیان. تهران: دانشگاه تهران.
- بابازاده، شهلا. (۱۳۷۸ش). تاریخ چاپ در ایران. تهران: کتابخانه طهوری.

براون، ادوارد گرانویل. (بی تا). تاریخ مطبوعات و ادبیات در دوره مشروطیت. ج ۲. ترجمه محمد عباسی. تهران: معرفت.

بیانی، مهدی. (۱۳۶۳ش). احوال و آثار خوشنویسان. ج ۱-۴. تهران: علمی.

رحمانی، منصور. (۱۳۹۲ش). خوشنویسی در عصر قاجار. تهران: سال.

رضوی، محمدباقر. (۱۳۵۲ش). شجره طیبه: در انساب سلسله سادات علویه رضویه. به کوشش سید محمدتقی مدرس رضوی. تهران: کتابخانه ملی.

سپهر، محمدتقی. (۱۳۷۷ش). ناسخ التواریخ. ج ۱. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.

شبلی، احمد. (۱۳۸۱ش). تاریخ آموزش در اسلام: از آغاز تا فروپاشی ایوبیان در مصر. ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: فرهنگ اسلامی.

شچگلوا، المپیادا پاولونا. (۱۳۸۸ش). تاریخ چاپ سنگی در ایران. ترجمه پروین منزوی. تهران: معین. شهری، جعفر. (۱۳۷۶ش). طهران قدیم. ج ۲. تهران: معین.

طهرانی، آقابرگ. (بی تا). الذریعه الی تصانیف الشیعه. ج ۹. بیروت: دار الاضواء.

عضدالملک، محمدحسین. (۱۳۷۹ش). طومار عضدالملک. به اهتمام مرکز خراسان شناسی. مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.

غلامی جلیسه، مجید. (۱۳۹۱ش). «شیوه آموزش خوشنویسی از گذشته تا قاجار». فرهنگ مردم. (شماره ۴۲)، ۸۷-۹۹.

کرمانی، ناظم الاسلام. (۱۳۵۷ش). تاریخ بیداری ایرانیان. ج ۱. تهران: آگاه، تهران.

گلشن آزادی، علی اکبر. (۱۳۷۳ش). صدسال شعر خراسان. به کوشش احمد کمال پور. مشهد: بنیاد آفرینش های هنری آستان قدس رضوی.

لعل شاطری، مصطفی. (۱۳۹۷ش). نخستین رویارویی های هنر عصر ناصری با هنر غرب (موسیقی، نمایش، نقاشی). مشهد: مرنديز.

محبوب فریمانی، الهه. (۱۳۹۰ش). تاریخچه کتابخانه آستان قدس رضوی بر پایه اسناد از صفوی تا قاجار. مشهد: سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

مشار، خانبابا. (۱۳۵۱ش). فهرست کتاب های چاپی فارسی. ج ۲. تهران: بینا.

ممتحن الدوله، مهدی. (۱۳۵۳ش). خاطرات ممتحن الدوله. به کوشش حسینقلی شقاقی. تهران: امیرکبیر.

مولوی، عبدالحمید. (۱۳۵۳ش). پیشنویس موقوفات آستان قدس رضوی. ج ۳. مشهد: آستان قدس رضوی.

هاشمی نژاد، علیرضا. (۱۳۹۳ش). سبک شناسی خوشنویسی قاجار. تهران: متن.

هروی، محمدحسن. (۱۳۵۰ق). دستور حسن. مشهد: خراسان.

Floor, Willem. (1990). "ČĀP". *Encycloaedia Iranica*. Vol 4. New York: Bibliotheca Persica Press.

Green, Nile. (2010). "Stones from Bavaria: Iranian Lithography in its Global Contexts". *Iranian Studies*. Vol 43, 305-331.

Marzolph, Ulrich. (2002). "Early Printing History in Iran (1817-1900)". Middle Eastern Languages and the Print Revolution: A Cross-Cultural Encounter. Westhofen: katalog Gutenberg Museum Mainz, 249-268.

Marzolph, Ulrich. (2007). "Persian Incunabula: A Definition and Assessment". Gutenberg-Jahrbuch. (Vol 82), 205-220.

Shcheglova, Olimpiada. (1999). "Versions of Persian Manuscripts of Indian Manufacture in the Nineteenth Century". Manuscripta Orientalia. (Vol 5), 12-22.

نسخ خطی

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۳۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. کاتب: عبدالرزاق یزدی اردکانی. مشهد.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۳۰۹ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. کاتب: عبدالرزاق یزدی اردکانی. مشهد.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۳۱۳ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. کاتب: عبدالرزاق اردکانی یزدی. مشهد.

اثیرالدین ابهری، مفضل. (۱۳۴۵ق). *ایساغوجی*. کاتب: عبدالعلی. مشهد.

تفرشی، ابوالحسن. (۱۳۱۴ق). *تراپوتیک و دواسازی*. کاتب: علی راقم مشهدی. مشهد.

راقم مشهدی، علی. (بی تا). *حکایات منظوم*. کاتب: علی راقم مشهدی. مشهد.

راقم مشهدی، علی. (۱۲۸۴ق). *گنجینه المعانی*. کاتب: علی راقم مشهدی. مشهد.

راقم مشهدی، علی. (۱۲۹۶ق). *نصاب الشعراء*. کاتب: علی راقم مشهدی. مشهد.

راقم مشهدی، علی. (۱۳۰۲ق). *زیارات*. کاتب: علی راقم مشهدی. مشهد.

راقم مشهدی، علی. (۱۳۱۰ق). *دیوان راقم طوسی*. کاتب: علی راقم مشهدی. مشهد.

راقم مشهدی، علی. (۱۳۱۴ق). *دیوان راقم طوسی*. کاتب: علی راقم مشهدی. مشهد.

راقم مشهدی، علی. (۱۳۲۱ق). *دیوان راقم طوسی*. کاتب: علی راقم مشهدی. مشهد.

عاشق اصفهانی، محمد. (۱۳۴۱ق). *دیوان عاشق اصفهانی*. کاتب: عبدالعلی. مشهد.

مجلسی، محمدتقی. (۱۳۰۲ق). *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*. کاتب: عبدالرزاق اردکانی یزدی. مشهد.

چاپ سنگی

آیتی قائینی، محمدباقر. (۱۳۲۶ق). *اکفاء المکائد و اصلاح المفاصد*. کاتب: ابن ملاعلی تبریزی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.

ابونصر فراهی، مسعود. (۱۳۴۴ق). *نصاب الصبیان منتخب*. شارح: محمدحسن هروی. کاتب: عبدالعلی. مشهد: بی نا.

انصاری، مرتضی. (۱۲۹۵ق). *رساله مسئله*. کاتب: علی راقم مشهدی. مشهد: چاپخانه آستان قدس

- رضوی.
- انصاری، مرتضی. (۱۳۳۱ق). رساله مسئله. کاتب: محمدحسن نجف‌آبادی اصفهانی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.
- بدایع‌نگار، فضل‌الله. (۱۳۳۱ق). تاریخ‌نامه ادبی و اخلاقی مستخرج از شاهنامه. کاتب: محمدحسین هروی. مشهد: علمی.
- حائری‌مازندرانی، زین‌العابدین. (۱۳۳۱ق). ذخیره‌المعاد. کاتب: محمدحسن نجف‌آبادی اصفهانی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.
- حسینی‌کاشانی، حسن. (۱۳۳۰ق). تذکره المؤمنین. کاتب: محمدحسن نجف‌آبادی اصفهانی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.
- حسینی‌هندی، محمد. (۱۲۹۵ق). البحر الصافی فی شرح الوافی به ضمیمه دبستان الشعراء (قصیده الاربعین، لغز ارسل الی یحیی بن احمد الکرمانی، لغز شیخ البهائی، جواب لغز شیخ بهائی). کاتب: ابراهیم بن ابوالقاسم رضوی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.
- حسینی‌هندی، محمد. (۱۳۱۷ق). البحر الصافی فی شرح الوافی به ضمیمه دبستان الشعراء (قصیده الاربعین، لغز ارسل الی یحیی بن احمد الکرمانی، لغز شیخ البهائی، جواب لغز شیخ بهائی). کاتب: عبدالحسین بن نصرالله. مشهد: بی‌نا.
- حسینی‌هندی، محمد. (۱۳۱۶ق). رشف العسل و کشف الغزل. کاتب: عبدالرزاق یزدی اردکانی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.
- خراسانی، عبدالجواد. (۱۳۱۱ق). کلیات جودی. کاتب: میرزا طاهر طبیب مشهدی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.
- خراسانی، محمد هاشم. (۱۳۴۰ق). وسیله الامان من مکائد الشیطان فی حاله الاحتضار. کاتب: محمدحسن نجف‌آبادی اصفهانی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.
- خراسانی، محمد هاشم. (۱۳۴۰ق). رساله ارث به ضمیمه نفقات. کاتب: محمدحسن نجف‌آبادی اصفهانی. مشهد: بی‌نا.
- راجی تبریزی، ابوالحسن. (۱۳۱۳ق). منبه فواد المهتدین. کاتب: علی تبریزی. بی‌جا: چاپخانه استاد عبدالله.
- راقم مشهدی، علی. (۱۲۹۴ق). منتخب القصاید. کاتب: راقم‌مشهدی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.
- زنجان، عبدالله. (۱۳۱۲ق). نور المنابر. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد: چاپخانه شیخ محمد طهرانی.
- شوشتری، جعفر. (۱۳۰۸ق). خصایص الحسین و مزایا المظلوم. ترجمه محمدحسین شریعتمدار تبریزی. کاتب: علی تبریزی. بی‌جا: بی‌نا.
- شهیدثانی، زین‌الدین. (۱۳۲۱ق). تسلیة العباد (مسکنة الفؤاد). ترجمه اسماعیل مجدالادباء خراسانی.

کاتب: عبدالحسین بن نصرالله. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.

طباطبایی، مرتضی قلی. (۱۳۴۳ق). آداب زیاره جامعه کبیره. کاتب: عبدالعلی. مشهد: بی نا.

طباطبایی، مرتضی قلی. (۱۳۴۴ق). زیارت دوره حرم حضرت رضا (ع). کاتب: عبدالعلی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.

عبدالعلی. (۱۳۳۶ق). چهل حدیث در فضائل حضرت علی (ع). کاتب: عبدالعلی. مشهد: بی نا.

عرب، سید محمد. (۱۳۴۰ق). تجوید فرهنگ. کاتب: عبدالعلی. مشهد: بی نا.

فشارکی، محمدباقر. (۱۳۳۱ق). آداب الشریعه المطهره. کاتب: عبدالرزاق یزدی اردکانی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.

قاری عرب، سید محمد. (۱۳۴۱ق). منتخب التجوید. کاتب: عبدالعلی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.

قزوینی، ابوالقاسم. (۱۳۲۷ق). نحو دبستانیان. کاتب: عبدالعلی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.

مامقانی، محمدحسن. (۱۳۱۲ق). رساله. کاتب: علی تبریزی. بی جا: چاپخانه آقا عبدالله.

مجتهدزاده، عبدالحسین. (۱۳۳۲ق). زیارت دوره حرم حضرت ثامن الائمه (ع). کاتب: عبدالعلی. مشهد: بی نا.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۰۸ق). مشکوه الانوار. کاتب: علی تبریزی. بیجا: بی نا.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۳۲ق). زیارات ماثوره حضرت علی بن موسی الرضا (ع). کاتب: عبدالعلی. مشهد: بی نا.

مستوفی همدانی، اسماعیل. (۱۳۱۷ق). آثار الرضویه من منتخبات الصدیقیه. کاتب: میرزا طاهر طبیب مشهدی. مشهد: چاپخانه شیخ محمد طهرانی.

مشهدی، محمد طاهر. (۱۳۱۷ق). الفیه طبیه. کاتب: میرزا طاهر طبیب مشهدی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.

مشهدی بخارایی، ذوالفقار. (۱۳۱۰ق). نجاه العاصین. کاتب: علی راقم مشهدی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.

ملک الحکماء، حسن. (۱۳۱۴ق). رساله طاعونیه. کاتب: میرزا طاهر طبیب مشهدی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.

ملک الحکماء، حسن. (۱۳۱۴ق). مظفرنامه همایون. کاتب: میرزا طاهر طبیب مشهدی. مشهد: چاپخانه شیخ محمد طهرانی.

مهاجرهروی، محمد یوسف. (۱۳۲۴ق). بحرالفوائد (کلیات ریاضی). کاتب: محمدحسین هروی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.

موسوی غزینی کابلی، سید محمد افضل. (۱۳۴۷ق). رساله فی اصول الدین و بعض مسائل الارث. کاتب: محمدحسن نجف آبادی اصفهانی. مشهد: اتحاد.

